کتابُ

أذكار الجهاد

(دعا اسلحه مؤمن است)

مترجم:

ابوعمر بلال الخراسانی

تمام ستایشها از آن الله –سبحانه وتعالی– است، درود و آرامش نثار پیامبراوﷺ باد.

این رساله گرفته شده از کتاب اذکار الجهادکه توسط یک نویسنده ناشناس به تحریر یافته است میباشد، همچنان از یک خطبه بنام "الدعاء" توسط "مازین التواجیرای".
تمام ستایش از آن الله ﷻ است، درود بی پایان نثار پیامبر ﷺ .
الله ﷻ میفرماید:

﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِي وَلْيُؤْمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴾

« و هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند (که من نزدیکم یا دور. بگو:) من نزدیکم (به ایشان به واسطه علم خود) و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند ، پاسخ می‌گویم (و نیاز او را برآورده می‌سازم بدون واسطه و میانجی) . پس آنان هم دعوت مرا (با ایمان و عباداتی همچون نماز و روزه و زکات) بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه یابند (و با نور ایمان به مقصد برسند). »[1]

﴿ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (١٤٦) وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (١٤٧) فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (١٤٨) ﴾

« و چه بسیار پیغمبرانی که مردان خدای فراوانی به همراه آنان کارزار می‌کرده‌اند و به سبب چیزی که در راه خدا بدانان می‌رسیده است (از قبیل : کشته‌شدن برخی از یاران و مجروح‌شدن خود و دوستان) سست و ضعیف نمی‌شده اند و زبونی نشان نمی‌داده‌اند (و بلکه شکیبائی می‌کرده‌اند) و خداوند شکیبایان را دوست می‌دارد، و (این عمل ایشان به هنگام سختی بود ، و در این وقت) گفتارشان جز این نبود که می‌گفتند : پروردگارا ! گناهانمان را ببخشای و از زیاده‌رویها و تندرویهایمان صرف نظر فرمای و گامهایمان را ثابت و استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز بگردان، پس خداوند پاداش این جهان را (با پیروز کردنشان بر دشمنان ، و فراچنگ آوردن غنیمت و کرامت و عزّت) بدیشان داد ، و پاداش نیکوی آخرت را (برای آنان تضمین کرد) و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. »[2]

---

[1] البقره:186
[2] آل عمران:146-148

﴿ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُرْدِفِينَ (٩)وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلا بُشْرَى وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (١٠) ﴾

« (ای مؤمنان! حالا که غنائم را تقسیم می‌کنید و بر سر نحوه آن اختلاف می‌ورزید ، به یاد آورید) زمانی را که (در میدان کارزار بدر از شدّت ناراحتی) از پروردگار خود درخواست کمک و یاری می‌نمودید و او درخواست شما را پذیرفت (و گفت :) من شما را با یک‌هزار فرشته کمک و یاری می‌دهم که این گروه هزار نفری گروههای متعدّد دیگری را پشت سر دارند، خداوند این (امداد با فرشتگان) را تنها برای مژده‌دادن (پیروزی) به شما و آرامش پیداکردن دل شما به آن کرد ، وگرنه پیروزی جز از سوی خدا نیست (و اراده و مشّیت او بالاتر از همه این اسباب ظاهری و باطنی است) . بیگمان خداوند (بر هر کاری) توانا (و کارهایش) از روی حکمت است. »[3]

و پیامبر ﷺ زمانی که به جای حمله میکرد عادت داشت که این دعا را بخواند،

« یا الله، شما حمایت کننده من هستید شما کمک کننده من هستید، بوسیله شما من دفع میکنم(دشمن را) و بواسطه شما حمله میکنم، بواسطه شما مبارزه میکنم. »[4]

اما بعد:

در این جهان متمدن و پیشرفته، ما هر روز اکتشافات و اختراعات جدید را در علم تسلیحات مشاهده و میشنویم. خواه روی زمین باشد، یا در هوا و یا هم در اعماق ابحار- تسلیحات مهمات هستند که ملت ها از آنها علیه دشمنان خویش استفاده میکنند، بناً میزان و معیار قدرت و ضعف در عرف و فرهنگ جهان امروزی عبارت از همان جنگ افزارها و اسلحه سازی هایکه آن ملت در اختیار دارد.

اما اسلحهء هم است که نه کدام فابریکه ای در شرق و نه کدام فابریکه ای در غرب آنرا تولید و یا ایجاد کرده میتواند; آن اسلحه از قدرتمندترین اسلحه کشتار جمعی است. معزز ترین و موقرترین اسلحه است، که هیچ کسی مالک همچون اسلحه نیست، بجز یک نوع مردم خاص: آن مردم کسانی هستند که به طواغیت کفر ورزیدند، و الله ﷻ را به یگانگی عبادت کردند، و از الله ﷻ.بدون اینکه برای او شریک قرار دهند کمک ویاری جستند. این همان اسلحه پارسا است که پیامبران عليهم السلام ، و اصحاب رضي الله عنهم در تمام عمر خود از آن استفاده کردند.

این همان اسلحه است که الله ﷻ بواسطه آن نوح عليه السلام را نجات داد و قوم او را در طوفان غرق کرد. و بواسطه آن الله ﷻ موسی عليه السلام را از حاکم ظالم(فرعون طاغوت) نجات بخشید. و بواسطه آن الله ﷻ صالح عليه السلام را نجات داد و قوم ثمود را ویران کرد. این همان اسلحه است که الله ﷻ قوم عاد را تحقیر کرده و برای هود عليه السلام پیروزی

---

[3] انفال:10-9

[4] مراجعه کیند به: صحیح ابوداوود (2291)، صحیح ترمذی (2836)، الکلیم الطیب (126)، صحیح الجامی توسط البانی (4757)، الجامی الصحیح (1/312, 3/203, 3/212)، الصحیح المسند (56)، البانی آنرا صحیح دانسته.

بخشید. همان اسلحه که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در بسیاری از جنگها عزت بخشید. این همان اسلحه کشتار جمعی است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با صحابه اش رضی‌الله‌عنهم دو امپراطوری قدرتمند زمان خود را به زانو نشاندند- رومیان و فارسیان- و پیروزی را بر نور اسلام نصیب کردند.[5]

و با توجه به استفاده این اسلحه، الله –سبحانه وتعالی- میفرماید:

﴿ وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴾

(پروردگار شما می‌گوید: مرا به فریاد خوانید تا بپذیرم. کسانی که خود را بزرگتر از آن می‌دانند که مرا به فریاد خوانند، خوار و پست داخل دوزخ خواهند گشت)[6]

از همین رو ما اینجا تلاش کردیم تا یک راهنما دستی برای شرح **53** از این اسلحه را جمع آوری کنیم. زیرنویس های اضافی برای منبع و مدارک و تشریح بیشتر در رابطه به آن موضوع اضافه شده است. در این رساله از سه منبع دعا ها ذکر شده، دعاهای که الله جل‌جلاله در کتاب خویش ذکر کرده، ویا هم دعاهای که از زبان مبارک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده، ویاهم صحابه کرام رضی‌الله‌عنهم از آنها استفاده کرده اند. به یاد داشته باشید که اینها (این دعا های که در رساله فعلی جمع آوری شده) تمام دعاها و اذکار نیستند، بلکه اینها کمی از دعاهای است که از کتب های سیرۀ و حدیث جمع آوری شده است. و از الله جل‌جلاله طلب نصرت میکنیم.

---

[5] برای معلومات بیشتر در مورد این موضوع به کتابهای تفسیر و سیرۀ مراجعه کیند.

[6] غافر: 60

❁ فصل دعاء های جامع ❁

1- ﴿ رَبَّنَا لا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِـينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلا تُحَمِّلْنَا مَا لا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾

« پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطارفتیم، ما را بدان مگیر(و مورد مؤاخذه و پرس و جو قرار مده) پروردگارا! بار سنگین (تکالیف دشوار) را بر (دوش) ما مگذار آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی. پروردگارا! آنچه را که یارای آن نداریم بر ما بار مکن (و ما را به بلاها و محنتها گرفتار مسـازا) و از ما درگذر (و قلم عفو بـــر گناهانمان کش) و مارا ببخشای و به ما رحم فرمای، تو یاور و سرور مایی پس ما را بـر جمعّیت کـافران پیروز بگردان. »[7]

2- ﴿ رَبِّ انْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ﴾

« پروردگارا! مرا بر قوم تباه پیشه پیروز گردان(آنهای که جرایم و گناه های بزرگ مرتکب میشوند، ظالمان، ستمگران، مفسدان، منافقین) »[8]

3- «اَللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَيْهِمْ بِسَبْعٍ كَسَبْعِ يُوسُفَ »

« یا الله ما را یاری کن در مقابل ایشـان(یعنی-کفار، با رنجور کردن و آزردن ایشـان) همراه با هفت (سـال قحطی)، دقیقاً مانند هفت(سال) یوسف. »[9]

4- « رَبَّنَا أَعِنَّا وَلا تُعِنْ عَلَيْنا، و انصُرنا ولا تَنْصُرْ عَلَيْنا، وامْكُرْلنا وَ لا تَمْكُرْعَلَيْنا، وَاهْدِنا و يَسِّرِ الْهُـدىٰ إِلَيْنا، وَانْصُرْنَا عَلى مَنْ بَغَى عَلَيْنا »

---

[7] البقره:286، این صحیح ثابت شده که الله –**سبحانه و تعالی**– دعای پیامبر ﷺ و صحابه ﷺ را در این آیت جواب داد، و الله ﷻ میفرماید که من قبلاً آنرا جواب دادم (ایجابت کردم)، مسـلم آنرا از ابن عباس ﷺ روایت کرده (126, 1339)، همچنان از او نقل اسـت که الله ﷻ به پیامبر ﷺ فرمود تو حرفی از این آیه (این دعا) را نمی خوانی مگر اینکه به تو اعطا خواهد شد، بیهقی نقل کرده در السنن الصغری (1002, 1003).

[8] العنکبوت:30، این دعاء لوط ﷺعلیه قومش بود، بناَ این دعا در مقابل کفار گفته میشـود، مخصـوصـاً زمانیکه آنها ظاهراً فواحش را آشـکار کردند، مانند زنا و لواط.

[9] بخاری با این الفاظ آنرا در صحیح خود (4496) نقل کرده است، و مسلم هم در صحیح خود (2798) با منبع موثق از عبدالله ابن مسعود ﷺ

« پروردگار ما! ما را یاری کن، و علیه ما (کسی) را یاری مکن! و برای ما پیروزی نصیب کن، و علیه ما (کسی) را پیروز مگردان! و برای ما نقشه و طرح بریز، و (مگذار کسی) را در مقابل ما طرحی بریزد! و ما را هدایت کن، و هدایت را برای ما آسان بگردان! و ما را پیروزی اعطا فرما در مقابل کسانی که بر ما تجاوز کرده اند! »[10]

5- « اَللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ،[مُجْرِيَ السَّحَابِ]، سَرِيعَ الْحِسَابِ، [هَازِمَ الأَحْزَابِ]، اَللَّهُمَّ اهْزِمِ الأَحْزَابَ، اَللَّهُمَّ اهْزِمْهُمْ و زَلْزِلْهُمْ [وَ انْصُرْنَا عَلَيْهِمْ] »

« بار الها! کسی که کتاب را نازل کرد { اداره کننده ابرها}، سریع در بازپرسی، { شکست دهنده احزاب وائتلافها }! یا الله! احزاب را شکست بده! یا الله! آنها را شکست بده و متزلزل بگردان! { و ما را بر آنها پیروز بگردان} »[11]

6- « اَللَّهُمَّ انْصُرْنا عَلَى مَنْ يَظْلِمُنا، وَ خُذْ مِنْهُ بِثَأْرِنا »

« بار الها! ما را بر کسانی که بر ما ظلم کرده اند غلبه بده، و از آنها کاملاً انتقام ما را بگیر! »[12]

7- « اَللَّهُمَّ قَاتِلِ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَ يُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ، وَ لا يؤمِنونَ بِوَعْدِكَ، اَللَّهُمَّ خالِفْ بين كلمتهم، أَلْقِ في قلوبِهِمُ الرعبَ، وَاجْعَلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَ عَذَابَكَ إِلَهَ الْحَقِّ، اَللَّهُمَّ قَاتِلِ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ أُتُوالْكِتَابَ »

« بار الها! کافران را قتل کن-کسانی که از راه تو باز مانده اند، پیامبرانت را انکار کردند، و به وعده تو ایمان ندارند! یا الله! الفاظ شانرا از هم جدا کن، و در قلبهایشان ترس بیانداز، و بگردان برآنها عذاب و شکنجه خود را ای کسی که واقعاً عبادت کردن به یگانه گی سزاوار اوست، یا الله! کفار اهل کتاب را قتل(یهود و نصارا)! »[13]

---

[10] امام احمد آنرا در مسند خود روایت کرده (1/227)، ابوداوود (1510, 1511)، النسايي در " اليوم و الليلة (607)، و الترمذي (3551)، و ابن ماجه (3830) – از مرجع موثق ابن عباس رضی الله عنهما. و ترمذی آنرا "حسن صحيح دانسته" ، و ابن حبان نیز آنرا صحیح دانسته (948-947)، و الحاكم (1/519-520)، و البانی و الذهبی نیز موافقت کرده اند.

[11] بخاری (2775, 3889, 6029, 7051)، مسلم (1741, 1742)، ابن خزیمه (2775)، ابن حبان (3843, 3844)، ابوعوانه (4/218-219)، ترمذی (1678)، ابن ماجه (2796)، ابن ابی شیبه (29586)، احمد (4/353, 381)، و نسایی در "اليوم و الليله (602)"، این دعا در جریان روز خندق خوانده شده بود. عن عبد الله بن أبي أوفى – رضي الله عنه – أن النبي صلى الله عليه وسلم دعا عليهم يوم الخندق.

[12] ترمذی مراجعه شود به "تحفة الاحوذی (10/51) و او آنرا "حسن غريب دانسته" و الحاكم آنرا با این الفاظ آورده است، " اللهم انصرني على عدوى، و أرني فيه ثأري" " یا الله! مرا در مقابل دشمنانم پیروزی بده، و بگذار مرا انتقام خود را در آنها ببینم!" مراجعه کنید به "المستدرک (2/154) ، نظر به شرایط که مسلم آنرا ذکر کرده حدیث صحیح است.

[13] امام احمد آنرا در مسند خود (3/424) مرفوع در یک حدیث طولانی نقل کرده، و این صحیح است، و رواه ابن خزيمة في صحيحه (1100) بسند صحيح عن عروة بن الزبير عن عبد الرحمن بن عبدٍ القاري: " أن الناس كانوا يدعون به في القيام في النصف الثاني من رمضان في عهد عمر بن الخطاب – رضي الله عنه – ، و رواه ابن نصر في كتاب الوتر (ص 144) عن الزهري نحوه.

8- « اَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُبِکَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَ غَلَبَةِ الْعَدُوِّ وَ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ »

« بار الها! من از غلبهء بدهی(قرض) و غلبهٔ دشمن و دلشاد کردن دشمنان به تو پناه میبرم! »[14]

9- « اَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُبِکَ أن اَمُوتَ فِي سَبِيلِک مُدْبِراً »

« بارالها! من از اینکه بطورناگهانی در راه تو از عقب بمیرم (در حال فرار) پناه میبرم! »[15]

❋در بیان آنچه میگوید وقتیکه با دشمن ملاقات میکند ❋

10- ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾

« ای مؤمنان! هنگامیکه با گروهی (از دشمنان در میدان نبرد) روبرو شدید پایداری نمائید(و فرار نکنید) و بسیار خدا را یاد کنید(و قدرت و عظمت و وفای به عهد او را پیش چشم دارید و به تضرّع و زاریش بخوانید) تا (در اینجا) پیروز و (در آخرت) رستگار شوید. »[16]

11- ﴿ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾

« پروردگارا (بر دلهایمان آب) صبر وشکیبائی بریز وگامهایمان را ثابت و استوار بدار و ما را بـر جمعیّت کافران پیروز بگردان. »[17]

12- ﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، فَآتَاهُمُ اللّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الآخِرَةِ وَاللّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴾

---

[14] رواه أحمد (173/2) ، و النسائي (5475 ، 5487).

[15] ابوداوود (1552, 1553)، النسائي (5531, 5532)، احمد (3/427)، و ابن ابی عاصم در الجهاد (269); و الحاکم در مستدرک (1948) آنرا صحیح دانسته.

[16] الانفال:45، يَثْبُت المؤمنون ، و يذكرون الله عز وجل كثيرًا عند لقاء العدو كما أمر الله عز وجل ، ويقدمون أعمالاً صالحة قبل الغزو والقتال ، قال البخاري في صحيحه (6 / 24 فتح الباري): " باب عمل صالح قبل القتال ، وقال أبو الدرداء : إنما تقاتلون بأعمالكم " .

* وأثر أبي الدرداء : وصله ابن المبارك في كتاب الجهاد (5) وابن أبي عاصم في الزهد (ص 136) والدِّيْنَوَرِي في المجلس الثامن من كتاب المجالسة وجواهر العلم (1135).

* ويتوب المجاهدون إلى ربهم من ذنوبهم فإنها من أعظم أسباب الهزيمة والفرار يوم الزحف ، قال الله تعالى : (إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْاْ مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُواْ وَلَقَدْ عَفَا اللّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ) سورة آل عمران (155).

[17] البقره:250

« پروردگارا! گناهانمان را ببخشای و از زیاده‌رویها و تندرویهایمان صرف نظر فرما و گامهایمان را ثابت و استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز بگردان. پس خداوند پاداش این جهان را (با پیروز کردنشان بر دشمنان و فرا چنگ آوردن غنیمت و کرامت و عزت) بـدیشان داد ، و پاداش نیکوی آخرت را (برای آنان تضمین کرد) و خداونـد نیکوکاران رادوست می‌دارد. »[18]

❋ در بیان آنچه میگوید وقتیکه توسط دشمنان ترسانیده میشود از بین انس و جن ❋

13- ﴿ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴾

« الله برای ما کافی و بهترین کارساز است! »[19]

ويستحضر خشية الله والخوف منه ، لقوله تعالى : (إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (آل عمران : ١٧٥)

❋ در بیان آنچه میگوید وقتیکه دشمنان علیه او نقشه ای را طرح ریزی میکنند ❋

14- ﴿ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴾

« من کار و بار خود را به الله وامی گذارم و حواله میدارم. الله بندگان را میبیند (و پندار و گفتار و کردارشان را می پاید). »[20]

❋ در بیان آنچه میگوید وقتیکه دشمنان در جستجوی قتل او هستند ❋

15- ﴿ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴾

« پروردگارا! مرا از مردم ستمگار رهائی بخش. »[21]

---

[18] آل عمران:147

[19] آل عمران:173، وروى البخاري في صحيحه (4197) عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنهما قال : " حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ قَالَهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَام حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَقَالَهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ قَالُوا إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ " .

[20] غافر:44

[21] القصص:21، الله–سبحانه وتعالى– میفرماید: مردی (که ازخانوادۀ فرعون بـود و ایـمان آورده بود) از نقطۀ دوردست شـهر شـتابان آمـد و گفت: ای موسی درباریان و بزرگان قوم برای کشتن تو به رایزنی نشسته اند. پس (هرچه زودتر از شهر) خارج شو.

❃در بیان آنچه میگوید وقتیکه به راهی مواجه میشود یا اینکه راه برای او مشکوک و غیر یقنی باشد ❃

16- ﴿ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴾

» امید است که پروردگارم مرا به راستای راه رهنمود فرماید (و ناهمواریها و گرفتاری ها را از سر من به دور دارد). «[22]

❃در بیان آنچه میگوید وقتیکه تعداد دشمنان زیاد باشد و تعداد مسلمانان کم باشد ❃

17- ﴿ رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ﴾

» بار الها! من مغلوب شدم، بناً مرا کمک کن! «[23]

{ اگر بعضی از مسلمانان از قوت و تعداد کفار در هراس بودند، مردمان علم و ایمان این آیه را باید به یاد آورند. }

18- ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللهِ ﴾

» چقدر گروه های کوچک غالب شدند بر گروهای بزرگ به اراده الله؟ «[24]

19- ﴿ أَلا إِنَّ نَصْرَ اللهِ قَرِيبٌ ﴾

» هان! بی گمان یاری خدا نزدیک است «[25]

مسلّماً من از خیرخواهان و دلسوزان توهستم، موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان و چشم براه بود(که هر لحظه حادثه ای رخ خواهد داد و فرعونیان او را دستگیر کنند، الله را به فریاد خواند و) گفت: پرودگارا! مرا از مردمان ستمگر رهائی بخش.

[22] القصص:22، زمانی که موسی به طرف مداین رفت این دعاء را خواند.

[23] به اساس آیه القمر: 10

[24] البقره:249

[25] البقره:214، آیا گمان برده اید که داخل بهشت می‌شوید بدون آنکه به شما همان برسد که به کسانی رسیده است که پیش از شما درگذشته اند؟ (شما که هنوز چنین رنجها و دردهائی را ندیده اید، و باید چشم به راه تحمّل حوادث تلخ و ناگوار در راه کردگار باشید و بدانید: نخست رنج سپس گنج.) زیانهای مالی و جانی (و شدائد و مشکلات، آن چنان ملّتهای پیشین را احاطه کرده است و) به آنان دست داده است و پریشان گشته اند که پیامبر ﷺ و کسانی که به او ایمان آورده بوده‌اند (همصدا شده و) می‌گفته اند: پس یاری خدا کی (و کجا) است؟! (لیکن خدا هرگز مؤمنان را فراموش ننموده است وپس از تعلیم فداکاری به مؤمنان و آبدیگی ایشان که رمز تکامل است، به وعدۀ خود وفا کرده و بدیشان پاسخ گفته است که:) هان! بی‌گمان یاری خدا نزدیک است (البقره:214).

❋آنچه که در زمان دیدن انبوه یا جمع از کفار گفته شود❋

20- ﴿ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللهُ وَرَسُولُهُ ﴾

« این همان چیزی است که الله و پیامبرش برای ما وعده فرموده بودند »[26]

❋آنچه مسلمانان هنگام ترس از هجوم و حمله ناگهانی دشمن باید بگویند ❋

21- ﴿ حم~ لا يَنْصُرُونْ ﴾

« حآ میم »[27]

❋ هنگامیکه دشمن بر سرزمین تسلط یابند، و مسلمانان ضعیف شوند و بالای شان ظلم شود چه باید گفته شود؟❋

22- ﴿ عَلَى اللهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾

« بر الله توکل میکنیم و بس، پرودگارا! ما را (وسیلهٔ) آزمون مردمان ستمگار و (آماج) بلا و آزار کافران (بدکردار) مساز، و ما را به فضل رحمت خود از دست مردمان کافر نجات بده. »[28]

❋ما يقال إذا كثر جيش المسلمين لئلا تعجبهم كثرتهم ❋

23- « اللَّهُمَّ بِكَ أُقَاتِلُ ، { وَبِكَ أُحَاوِلُ } ، وَبِكَ أُصَاوِلُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ » .[29]

---

[26] الاحزاب:22

[27] غافر:1، پیامبر ﷺ میفرماید: اگر دشمن تصمیم گرفت که بر شما حمله کند(از طرف شب)، "حم" بگویید، آنها بر شما پیروز نخواهند شد، احمد (4/65,377)، الترمذي (1682)، ابوداود (2597)، نسائی در "اليوم و الليلة (617)"، ابن الجارود (1063)، ابن سعد در طبقات خویش (2/72)، عبدالرزاق در "مصنف" خویش (9467)، ابن ابی شیبه (14/414)، الحاكم (2/107) آنرا تایید کرده، و ابن کثیر در تفسیر خود میگوید (4/69) "سلسله آن صحیح است"

[28] یونس:86-85

[29] رواه أحمد (333/4 و16/6) ، وابن حبان في صحيحه (1975 ، 2027 ، 4758) ، والترمذي (3340) ، و الدارمي (2441) ، والضياء في المختارة (51 ،52 ، 53 ، 54) و قال الترمذي : "حسن غريب" ، وصححه ابن حبان والضياء.

❁آنچه که مسلمانان در جریان جنگ از ترس اینکه مبادا کثرت شان آنها را به شگفت آورد بگویند ❁

24- ﴿ اللّهُمَّ أَنْتَ عَضُدُنا، وَأَنْتَ نَصيرُنا، بِكَ نحولُ وَبِكَ نصولُ وَبِكَ نقاتِل ﴾

« بارالها! تو حمایت کننده، یار و مددکار ما هستی، و تو کمک کننده ما هستی، ما به کمک شما دشمن را دفع میکنیم، با مداد تو (بردشمن) حمله میکنیم، و با مداد تو میجنگیم. »[30]

❁ آنچه هنگام وحشت و نزدیک شدن شر کفار باید گفته شود ❁

25- لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ

« نیست هیچ معبودی شایسته عبادت مگر الله »[31]

❁ آنچه هنگام ترس از گروهی باید گفت ❁

26- « اللّهُمَّ إِنا نَجْعَلُكَ في نُحورِهِم، وَنَعوذُ بِكَ مِنْ شُرورِهِمْ »

« الهی! ما تو را در برابرشان (دشمنان) قرار میدهیم، و از شرارتهای آنها به شما پناه میآوریم. »[32]

❁ چه باید گفت اگر مسلمانان از طرف کفار محاصره شدند و دشمن تصمیم کشتن آنها را کرد ❁

27- « اللَّهُمَّ اِكْفِنَاهمْ بِمَا شِئْتَ »

---

[30] ابوداود (2632)، ابن حبان (4761)، ابویعلی (2904, 2949, 3133)، ابوعوانه در صحیح خود (4/217,514)، الضیاء في المختارة (2360 ، 2361 ، 2362) و الترمذي (3584) به روایت انس ابن مالک ﷺ. ترمذي آنرا "حسن غریب" گفته است. نسایی آنرا در "العمل (604) صحیح دانسته.

[31] بخاری (31,3403, 6650, 6716)، مسلم (2880)، به روایت ذینب بنت جحش ﷺ

[32] ابوداود (1537)، ابن حبان در صحیح خود (4765)، احمد (4/414)، الصیالسی (524)، الحاکم (2/154) به روایت ابوموسی اشعری ﷺ. ذهبی و الحاکم آنرا صحیح دانسته، ابو عوانه در صحیح خود (4/217) موافقت کرده، نووی و عراقی نیز سلسله آنرا صحیح دانسته در "شرح المناوی علی الجامع الصغیر (5/121).

« ای الله! تو در برابر دشمنان به هر طریقی که میخواهی، مرا کفایت فرما »[33]

❋ چه باید گفت هنگامیکه کفار کتب مسلمین را ویران کرده گستاخی و تکبر کنند ❋

28- « اللَّهُمَّ مَزِّقْهُم كُلّ مُمَزَّق »

« یا الله! آنها را با پراکندگی و آوراگی کامل کاملاً پارچه پارچه بگردان »[34]

❋ هنگام که کفار حواس مسلمانان را در عبادت الله ﷻ پریشان کنند چه باید گفت؟❋

29- « مَلأَ اللهُ بُيُوتَهُمْ وَقُبُورَهُمْ نَاراً »

« شاید الله خانه ها و قبرهای (کفار) را پر از آتش کند »[35]

❋ آنچه باید مسلمانان هنگام حمله - غافلگیرانه در مقابل دشمن بگویند ❋

30- « اللهُ أَكْبَرُ ، خَرِبَتْ (خَيْبَرُ) ، إِنَّا إِذَا نَزَلْنَا بِسَاحَةِ قَوْمٍ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ »

« الله بزرگ است(خیبر) [اسم شهر کفار که بالای آن حمله صورت گرفته اینجا ذکر شود] تخریب شد، هر آینه! زمانی که ما به اجتماع میرسیم (از دشمن برای جنگ)، آن یک صبح تیره بخت است برای کسانی که هشدار داده شده بودند! »[36]

---

[33] مسلم در صحیح خود (3005) به روایت صهیب رضی الله عنه.

[34] رواه ابن سـعد في الطبقات (1/258-260) عن عبد الله بن حذافة السـهمي رضـي الله عنه بلفظ : { اللهم مَزِّق ملكه }، بخاری (64, 2781, 4162, 6836)، و ابوعوانه (4/271-271)، فتح الباری (8/127, 13/242)، و نصـب الراية (4/421) و همان که بخاری آورده اسـت موثق تر است.

[35] رواه البخاري في صـحيحه (2714،2773،3802،4169،5917)، مسـلم (627)، به روایت علی رضی الله عنه . در روز غزوه احزاب پیامبر ﷺ این دعا را خواند و گفت: الله خانه ها و قبر های آنها را از آتش پر کند آنها ما را آنقدر مشغول کرد که نماز عصر از ما ترک شد.

[36] بخاری (3964, 3962, 3961, 3447, 2829, 2785, 905, 585, 364) و مسـلم (1365) به روایت انس ابن مالک رضی الله عنه. پیامبر ﷺ صبح به خیبر رسید، مردم در حالی که بیلچه های شان در پشـت شان بود حمل میکردند، زمانی که مسلمانان را دیدند گفتند این محمد و سـپاه او اسـت، بناً به قله های خویش پناه بردند، پیامبر ﷺ هر دو دسـت خود را بلند کرد و این دعا را خواند" الله ﷻ بزرگ اسـت خیبر ویران شـد، هر آینه زمانی که ما به منطقه میرسیم آن یک صـبح بدبخت برای کسـانی اسـت که اخطار داده شـده بودند" همچنان مسـلم روایت میکند که پیامبر ﷺ این دعا را سه بار خواند.

❋ در بیان آنچه میگوید در مقابل کسانی که به مسلمانان فحش میگویند و آسیب میرسانند ❋

31- « اللَّهُمَّ سَلِّطْ عليهم كلبًا من كِلابِكَ »

« بارالها! سگی از میان سگهایت را بر آنها مسلط گردان »[37]

32- « اللَّهُمَّ عليك بـ{ الكافرين } (ثلاثا) »

« بار الها! این برشما است که کافران را تباه بگردانید **[*اسم همان بی ایمانان اینجا ذکر شود]** »[38]

❋ آنچه باید گفته شود هنگامیکه کفار از طواغیت شان پشتیبانی کرده و مادیات شانرا را به رخ مسلمین کشیدند ❋

33- « اللهُ أَعْلَى وَأَجَلُّ ، اللهُ مَوْلاَنَا وَلاَ مَوْلَى لَكُمْ »

« الله والا و بلند مرتبه است، الله کمک کننده ما است و شما را هیچ یاری کننده ای نیست »[39]

---

[37] پیامبر ﷺ با این الفاظ دعا میکرد (اللَّهُمَّ سَلِّطْ عليه كلبًا من كِلابِكَ) "یا الله سگی از سگهایت را بر او مسلط بگردان" علیه عتبه ابن ابی لهب; طوریکه بعداً او در بین یاران خود خفته بود، که شیر آمد و بر او پرتاب کرد و او را کشت. نقل شده توسط "الإصابة (6/527) ، ابن حجر در فتح الباری (4/39) آنرا حسن دانسته، و الشواکانی نیز آنرا در "نیل الاوطار (5/98)" به روایت الحاکم . پسر ابولهب حسب عادت بر پیامبر ﷺ ناسزا میگفت، بناً پیامبر ﷺ این دعا را علیه او خواند، بناً زمانی رسید که پسر ابولهب با کاراوان بطرف شام میرفتند و در جایی توقف کردند و پسر ابولهب گفت "من از دعای محمد میترسم " دوستانش برایش گفتند نترس و بار سفر را در گرد او قرار دادند و خودشان از او محافظت میکردند، ناگهان شیر آمد و او را کشت و با او ماند.

[38] بخاری (237, 498, 2776, 3014, 3641)، و مسلم (1794) به روایت ابن مسعود رضي الله عنه. یک بار پیامبر ﷺ نماز را در سایه کعبه میخواند، این در حالی بود که در آنجا ابوجهل و بعضی از دوستانش نشسته بودند، و به بگدیگر گفتند کدام یکی از شما شکمبه شتر فلان را آورده و زمانی که محمد به سجده رفت آنرا در پشتش میگذارد!؟ آنها یک بدبخت را به این کار روان کردند، و او منتظر نشست تا اینکه پیامبر ﷺ به سجده رفت آنها شکمبه شتر را در پشت پیامبر ﷺ در بین شانه هایش انداختند، در حالی که من فقط تماشا میکردم چون تنها بودم هیچ قدرت نداشتم! آنها بعداً به خندیدن و تمسخر شروع کردند، و پیامبر ﷺ سر خود را از سجده بلند نکرد تا اینکه فاطمه (دختر پیامبر ﷺ) آمد و آنرا از سر او دور کرد، بعداً پیامبر ﷺ سر خود را بلند کرد و این دعا را خواند "یا الله این بر تو است که قریش را تباه کنی، یا الله این بر تو است که قریش را تباه کنی، یا الله این بر تو است که قریش را تباه کنی" و این باعث وارخطا شدن ایشان گردید، چون آنها میدانستند که دعا در این جا (توسط الله جواب داده میشود). و بعداً پیامبر ﷺ گفت: " یا این بر تو است که ابوجهل (را تباه کنی)، یا این بر تو است که عتبه ابن ربیعه را تباه کنی، و شیبان ابن ربیعه و ولید بن عتبه و امیه ابن خلف و عقبه ابن معیت!" و پیامبر ﷺ اسم نفر هفتم را هم گرفت که ابن مسعود رضي الله عنه آنرا فراموش کرد. ابن مسعود رضي الله عنه میگوید: "قسم به ذاتی که جانم در دست اوست همان کسانی را که پیامبر ﷺ نام گرفت در روز بدر کشته شده و در چاه بدر انداخته شدند." اسم نفر هفتم در روایت دیگر که بخاری آن را نقل کرده (498) عمارة ابن ولید است.

[39] بخاری (2874, 3817)، و ابو عوانه (4/323, 325) به روایت البراء ابن عازب رضي الله عنه در روز جنگ احد ابوسفیان به شکل شاعرانه جار زد "یا حبل ، بلند مرتبه باش!"، پیامبر ﷺ به صحابه رضي الله عنهم گفت:" چرا دوباره جوابش را نمی دهید؟ " آنها گفتند:" ای پیامبر ﷺ ما چه بگوییم؟" پیامبر ﷺ برایشان گفت:" بگویید الله والا و بلند مرتبه است" بعداً ابو سفیان گفت:" ما (طاغوت) عزا را با خود داریم و شما هیچ (عزا) ندارید." پیامبر

❊ مخلصانه و صادقانه از الله ﷻ شهادت خواستن ❊

34- « اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَهَادَةً فِي سَبِيلِكَ »

« بار الها! در راه خود برای من شهادت را نصیب کن! »[40]

❊ از الله ﷻ کمک خواستن هنگام ملاقات دشمنان ❊

35- « اللَّهُمَّ آتنا مَا وَعَدْتَنا، اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لنا مَا وَعَدْتَنا، اللَّهُمَّ إِنْ تَهْلِكْ هَذِهِ الْعِصَابَةُ مِنْ أَهْلِ الإِسْلاَمِ لاَ تُعْبَدْ فِي الأَرْضِ . (ويستقبل القبلة ويمُدُّ يديه). »

« [والمراد الآن أرض خاصة ؛ كالعراق أو فلسطين أو أفغانستان أو الفلوجة أو غزة مثلاً ، لا عموم الأرض ، والله أعلم] »

« بار الها! بده برای ما آنچه وعده کردی! یا الله! واقعیت بگردان آنچه برای ما وعده کردی! یا الله! اگر این دسته مردم از اهل اسلام را ازبین ببری، (شما) در روی زمین عبادت نخواهید شد »[41]

ﷺ به یارانش گفت:"چرا جوابش را نمی دهید؟" آنها گفتند:" ای پیامبر ﷺ ما چه بگوییم؟" اوگفت" بگویید، الله کمک کننده ما اسـت و شـما را هیچ کمک کنند نیست."

[40] بخاری (1791)، و امام مالک﵀ در موطا خود (989) – زید بن اســلم از پدر خود روایت میکند که عمر ابن خطاب ﵁ گفت: (اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَهَادَةً فِي سَبِيلِكَ، وَاجْعَلْ مَوْتِي فِي بَلَدِ رَسُولِكَ) "یا الله در راه خود برای من شهادت را نصیب کن، و مرا در سرزمین پیامبر ﷺ خود بمیرانی" همچنان مراجعه شود به "تغلیق التعلیق (3/135). و پیامبر ﷺ دعا کرده که شهادت برای امتش اعطا گردد، قسمیکه امام احمد روایت کرده است و الحاکم نیز آنرا صـحیح دانسـته; مراجعه کنید به المسـند (3/347-348)، و المسـتدرک (2464)، که پیامبر ﷺ میفرماید: اللهم اجعل فناء أمتي في سبيلک بالطعن و الطاعون، "یا الله مردن امت مرا در راه خود بگردان، از طریق حمله شـدن بالای شـان و از (طریق) طاعون" المنذری آنرا صـحیح دانسـته، الهیثمی ناقلان این حدیث را قابل اعتماد میداند، ابن حجر در فتح الباری (10/182)، دانشـمندان میگویند او (پیامبر ﷺ) برای امت خود بلندترین درجه شـهادت را میخواسـت- و آن اینکه کشته شـدن در راه الله بدست دشـمنان یا از بین انسـانها و یا از بین جنها. مسلم در صـحیح خود روایت کرده (1909) به روایت سـهل ابن حنیف ﵁ که پیامبر ﷺ گفت: "هر کسـی به صـدق از الله شـهادت را بخواهد الله متعال برایش میدهد حتی که اگر در بستر خواب هم بمیرد."

[41] مسـلم (1763)، ابوعوانه (4/220,225)، و ابن حبان (4793) – که در روز بدر پیامبر ﷺ به مشـرکین نگاه کرد و آنها را دید که در حدود 1000 نفر بودند در حالیکه صحابه -رضوان الله علیهم اجمعین- 319 نفر بودند. بناً پیامبر ﷺ دو دست خود را به طرف قبله دراز کرد و بلند به پرودگار خود این دعا را خواند، او این دعا را تا وقتی خواند که ردا او از شـانه هایش پاین افتاد در حالیکه روی به قبله بود و دسـتانش بطرف قبله دراز بود، ابوبکر ﵁ آمد و ردا پیامبر ﷺ را بلند کرد و دوباره در شـانه هایش قرار داد و در عقب او ایسـتاد. و گفت ای پیامبر ﷺ این چنین اسـت التماس تو برای الله ، در حقیقت الله وعده خود را بر تو واقعیت خواهد بخشـید." بناً الله – سـبحانه و تعالی- این آیتها را نازل کرد، "بخاطر بیاور) زمانی را که تو (ای پیامبر ﷺ) از رب خود کمک خواسـتی و الله جواب داد: من تو را کمک میکنم با فرسـتادن هزار فرشـته ها یکی پی دیگر بپایی." [انفال: 9]همچنان مراجعه کنید به بخاری (2758, 3737, 4594, 4596).

❋ در بیان آنچه میگوید وقتیکه مسلمانان، کفار را محاصره کردند ❋

36- « لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُّ و اللهُّ أَكْبَرُ »

« هیچ کسی شایسته عبادت نیست بجز الله و الله بزرگ است »[42]

❋ آنچه باید گفت، هنگامیکه برخی از مسلمانان اسیر شوند، و یا درحالت مشقت و سختی باشند ❋

37- « اللهم أنج فلان بن فلان (ويدعو للمستضعفين بأسمائهم) ، اللَّهُمَّ أَنْجِ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ، اللَّهُمَّ اشْدُدْ وَطْأَتَكَ عَلَى [الكافرين (ويسمي شعوبهم)] ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا {عليهم } سِنِينَ كَسِنِي يُوسُفَ. »

« بار الها! مؤمنان ضغیف و مستضعف را نجات ده [اسم مؤمنان اینجا ذکر شود] ! یا الله! مجازات خود را بر کافران [اسم کافران اینجا گرفته شود] شدید بخش، بار الها! سالهای (سختی) را بر ایشان به مثل سالهای یوسف بگردان! »[43]

[42] مسلم (2920) به روایت ابی هریره ﷺ که پیامبرﷺ گفت: "شما در باره شهر که یک طرف آن خشکه، و طرف دیگر آن بحر (قسطنطنیه). آنها گفتند: " بلی ای پیامبر الله!" بنا براین او گفت:" آخرین وقت نخواهد آمد، جز اینکه 70 هزار نفر از اطفال اسحاق (پدر یعقوب) به آن حمله خواهد کرد. زمانی که آنجا پیاده شدند، نه آنها با اسلحه جنگ میکنند و نه آنها پیکان میکنند، مگر آنها فقط میگویند: "هیچ کسی شایسته عبادت نیست مگر الله و الله بزرگ است" – و اینکه یک طرف شهر سقوط خواهد کرد. { ثور (یکی از نقل کننده ها) گفت: من فکر میکنم که او گفت: همان قسمت که به طرف بحر است.} بعداً آنها برای بار دوم خواهند گفت: "هیچ کسی لایق عبادت نیست مگر الله و او بزرگ است!"– و جانب دیگر هم سقوط خواهد کرد، و آنها خواهند گفت: "هیچ کسی لایق عبادت نیست مگر الله و او بزرگ است!"– و دروزاه ها برای شان باز خواهد شد، و آنها آنجا خواهد داخل شد و شروع به جمع آوری غنایم خواهند کرد سپس آنها را بین هم تقسیم خواهند کرد، در این هنگام صدای خواهند شنید که میگوید: "حقیقتاً، دجال آمد" بناً آنها همه چیز را در آنجا میگذارند و روی به طرف آن (دجال) خواهند کرد."

[43] از ابو هریره روایت است که: "پیامبر الله ﷺ بعد از رکوع سر خود را بلند میکرد و میگفت، "سمیع الله لمن حمده، ربنا و لک الحمد" – و برای مردان دعا میکرد و آنها را به اساس اسم های شان نام میگرفت، قسمیکه میگفت،" یا الله! ولید ابن الولید و سلامه ابن هیثام و عیاش ابن ربیعه و مؤمنان ضعیف و مظلوم را نجات ده، بار الها! عذاب خود را بر قبیله مدهار شدید کن ..." و مردم شرق از مدهر مخالف پیامبر ﷺ بود." مراجعه کنید به بخاری (771, 2774, 4322, 5847, 6030). و در روایتی، و الْمُسْتَضْعَفِينَ بمكة ، و در یک روایتی او ، اللَّهُمَّ أَنْجِ، را تکرار کرد، " یا الله! نجات ده..." قبل از نام هر ضعیف و مظلوم تکرار کرد. و عادت داشت که این دعا را در قنوت آخرین رکعت نماز عشاء بخواند. همچنان مراجعه شود به مسلم (675).

ستایش کردن الله- سبحانه و تعالی- بعد از پیروزی

38- ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً وَجُنُوداً لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيراً ، إِذْ جَاؤُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتْ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا ، هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالاً شَدِيداً ، وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُوراً ﴾

« به یاد آورید نعمت الله را در حق خودتان ای مؤمنان، بدانگاه که لشکرها به سراغ شما آمدند (تا کار اسلام را برای همیشه یکسره کنند. یعنی پیغمبر را بکشند و مسلمانان را در هم بکوبند و مدینه را غارت کنند، و بالأخره چراغ اسلام را خاموش سازند). ولی ما تندباد (سخت سردی) را بر آنان گماشتیم و لشکرهای (از فرشتگان) را به سوی شان روانه کردیم که شما آنان را نمی دیدید. (فرشتگان رعب و هراس را به دلهایشان انداختند و طوفان باد خیمه و خرگاه ایشان را بازیچه قرار داد و بدین وسیله آنان را درهم کوبیدیم الله میدید کارهای را که میکردید.

(به خاطر بیاورید) زمانی را که دشمنان از طرف بالا و پائین (شهر) شما ، به سوی شما آمدند (و مدینه را محاصره کردند) ، و زمانی را که چشمها (از شدّت وحشت) خیره شده بود ، و جانها به لب رسیده بود ، و گمانهای گوناگونی درباره (وعده) خدا داشتید (قوی‌الایمان به وعده الهی مطمئن ، و ضعیف‌الایمان نامطمئن بود).

در این وقت مؤمنان (در کوره داغ حوادث جنگ و مبارزه و هلاک و هراس) آزمایش شدند و سخت به اضطراب افتادند .

و (به یاد آورید) زمانی را که منافقان و آنان که در دلهایشان بیماری (نفاق) بود می‌گفتند : خدا و پیغمبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند . »[44]

﴿ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً (٢١) وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَاناً وَتَسْلِيماً (٢٢) مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلاً (٢٣) لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاء أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَّحِيماً (٢٤) وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْراً وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيّاً عَزِيزاً (٢٥) وَأَنزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُم مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِن صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ

---

[44] احزاب:12-9

وَتَأْسِرُونَ فَرِيقاً (٢٦) وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضاً لَّمْ تَطَؤُوهَا وَكَانَ اللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيراً) ﴾

« سرمشق و الگوی زیبائی در (شیوه پندار و گفتار و کردار) پیغمبر خدا برای شما است . برای کسانی که (دارای سه ویژگی باشند :) امید به خدا داشته ، و جویای قیامت باشند ، و خدای را بسیار یاد کنند .

هنگامی که مؤمنان احزاب را دیدند ، گفتند : این همان چیزی است که خدا و پیغمبرش به ما وعده فرموده بودند . (خدا و رسول او به ما وعده داده بودند که نخست سختیها و رنجها ، و به دنبال آن خوشیها و گنجها است) و خدا و پیغمبرش راست فرموده‌اند . این سختیها جز بر ایمان (به خدا) و تسلیم (قضا و قدر شدن) ایشان نمی‌افزاید .

در میان مؤمنان مردانی هستند که با خدا راست بوده‌اند در پیمانی که با او بسته‌اند . برخی پیمان خود را بسر برده‌اند (و شربت شهادت سرکشیده‌اند) و برخی نیز در انتظارند (تا کی توفیق رفیق می‌گردد و جان را به جان آفرین تسلیم خواهند کرد) . آنان هیچ گونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند (و کمترین انحراف و تزلزلی در کار خود پیدا نکرده‌اند) .

هدف این است که خداوند صادقان را به خاطر صدقشان پاداش بدهد ، و منافقان را هر گاه بخواهد عذاب کند ، و یا (اگر توبه کنند) ببخشد و توبه ایشان را بپذیرد . چرا که خداوند آمرزگار و مهربان است .

خداوند کافران را با دلی لبریز از خشم و غم بازگرداند ، در حالی که به هیچ یک از نتائجی که در نظر داشتند نرسیده بودند . خداوند (در این میدان) مؤمنان را (با طوفان باد و ارسال فرشتگان) از جنگ بی‌نیاز ساخت ، و خداوند نیرومند و چیره است .

خداوند کسانی از اهل کتاب (بنی‌قریظه) را که احزاب را پشتیبانی کرده بودند از دژهایشان پائین کشید ، و به دلهایشان ترس و هراس انداخت (و کارشان به جائی رسید که) گروهی را کشتید و گروهی را اسیر کردید .

و زمینها و خانه‌هایشان و دارائی آنان ، و همچنین زمینی را که هرگز بدان گام ننهاده بودید ، به چنگ شما انداخت . بی‌گمان خداوند بر هر چیزی توانا است . »[45]

39–« لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ ، أَعَزَّ جُنْدَهُ ، ونَصَرَ عَبْدَهُ ، وَغَلَبَ الأَحْزَابَ وَحْدَهُ ، فَلاَ شيء بَعْدَهُ »

« هیچ کسی لایق عبادت نیست مگر الله به یگانگی، او برای سپاه خود عزت داد، او پیروزی به بنده خود داد، و به تنهایی نیروها (احزاب) را شکست داد، بعد از او هیچ چیز نیست. »[46]

---

[45] الحزاب:27-21

[46] بخاری (3888)، و مسلم (2724) به روایت ابو هریره ﷺ و این نوع از سپاسگذاری و بیادآوردن است که الله ﷻ دوست دارد. قسمیکه در سوره الحزاب ذکر شد، امام احمد شاکر : در زیرنویس هایش بالای "مسند احمد" (8053 /15) گفت: " سلسله این حدیث صحیح است". قسمت، " بعد از او هیچ چیز نیست" مشابه آیه قصص:88 است "هیچ کس شایسته عبادت نیست مگر الله. همه چیز نابود خواهند شد مگر الله"

40- « إِنَّ اللَّهَ قَدْ كَفَى وَأَحْسَنَ »[47]

* ستایش الله ﷻ بعد از جنگ *

41- « اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ ، اللَّهُمَّ لاَ قَابِضَ لِمَا بَسَطْتَ ، وَ لاَ بَاسِطَ لِمَا قَبَضْتَ ، وَ لاَ هَادِيَ لِمَا أَضْلَلْتَ ، وَ لاَ مُضِلَّ لِمَنْ هَدَيْتَ ، وَ لاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ ، وَ لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ ، وَ لاَ مُقَرِّبَ لِمَا بَاعَدْتَ ، وَ لاَ مُبَاعِدَ لِمَا قَرَّبْتَ ، اللَّهُمَّ ابْسُطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ وَرِزْقِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّعِيمَ الْمُقِيمَ الَّذِي لاَ يَحُولُ وَ لاَ يَزُولُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّعِيمَ يَوْمَ الْعَيْلَةِ وَالأَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِذٌ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْطَيْتَنَا وَشَرِّ مَا مَنَعْتَ ، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا وَكَرِّهْ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَاجْعَلْنَا مِنْ الرَّاشِدِينَ ، اللَّهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ وَأَحْيِنَا مُسْلِمِينَ وَأَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِينَ غَيْرَ خَزَايَا وَ لاَ مَفْتُونِينَ ، اللَّهُمَّ قَاتِلْ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ وَاجْعَلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَعَذَابَكَ ، اللَّهُمَّ قَاتِلْ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَهَ الْحَقِّ »

« بار الها! تمام ستایش ها از آن شماست! یا الله! هیچ کسی مانع شده نمی تواند آنچه تو بدهی، و نه هیچ کسی چیزی را داده میتواند آنچه را تو مانع شوی، هیچ کسی هدایت کرده نمیتواند کسی را که تو گمراه کرده باشی، و نه کسی گمراه کرده میتواند کسی را که تو هدایت کرده باشی، هیچ کسی چیزی بخشش کرده نمیتواند که تو نخواهی، و هیچ کسی مانع شده نمیتواند آنچه تو بخشش کنی، هیچ کسی نزدیک آورده نمیتواند آنچه را تو دور کرده باشی، و نه کسی چیزی را دور کرده میتواند آنچه را تو نزدیک کرده باشی، یا الله! برما اعطا کن از نعمت خود، رحمت خود، مساعدت خود و قوانین خود، یا الله! من از شما خوشی های جاویدانی را میخواهم که نه قطع میشود و نه توقف میکند، و میانه روی و خوشی را در فقر، و امن را در وقت ترس، یا الله! من پناه میبرم به شما از شر آنچه برای ما اعطا کردی و از شر آنچه که از ما محفوظ کردی. یا الله! ایمان را برای ما عزیز بگردان، و آنرا در قلب های ما زیبا بگردان! و کفر، تباهی و نافرمانی را برای ما منفور بگردان! و ما را از جمله هدایت یافته گان بگردان! یا الله! ما را مسلمان بمیران، و ما را حیات بگردان در حالی که مسلمان باشیم، و ما را با صالحان ملحق بگردان، نه رسوا و دنباله رو! یا الله! کفار را قتل کن- آنهایکه پیامبر تو را انکار کردند و از راه تو بازماندند! و بر آنها عذاب و شکنجه

[47] روى مسلم في صحيحه (4706) عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه أَنَّ أُمَّ سُلَيْمٍ رضي الله عنها اتَّخَذَتْ يَوْمَ حُنَيْنٍ خِنْجَرًا فَكَانَ مَعَهَا فَرَآهَا أَبُو طَلْحَةَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ أُمُّ سُلَيْمٍ مَعَهَا خِنْجَرٌ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا هَذَا الْخِنْجَرُ قَالَتْ اتَّخَذْتُهُ إِنْ دَنَا مِنِّي أَحَدٌ مِنْ الْمُشْرِكِينَ بَقَرْتُ بِهِ بَطْنَهُ فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَضْحَكُ ، قَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ اقْتُلْ مَنْ بَعْدَنَا مِنْ الطُّلَقَاءِ انْهَزَمُوا بِكَ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : يَا أُمَّ سُلَيْمٍ إِنَّ اللَّهَ قَدْ كَفَى وَأَحْسَنَ ".

خود را نازل کن! یا الله! کفار اهل کتاب (یهود و نصــارا) را قتل کن، ای آن ذات که واقعاً او تنها شــایســته عبادت است!. »[48]

❁ برای کسی که بالای اسب یا امثال آن (وسایط نقلیه) ثابت مانده نمیتواند چه باید گفت ❁

43- « اللَّهُمَّ ثَبِّتْه ، و اجْعَلْه هاديًا مَّهْدِيًا »

« یا الله! او را استوار و قوی بگردان، و برای او رهنمای بگردان، یک رهنمای درست و نیکو! »[49]

❁ وصیت امام برای امیر لشکر ❁

44- يوصيه بتقوى الله تعالى ، و من معه من المسلمين خيرًا ، ثم يقول :

---

48 امام احمد آنرا در مسند خود (3/424) آنرا نقل کرده، بخاری در "الادب المفرد (699)"، و الحاکم در "المستدرک (4308 ,1868)، نسائي در "السنن کبری (6/156)، البزار در مسند خود (9/3724)، الطبرانی در "معجم الکبیر (5/4549)، البیهقی در "الاعتقاد (153-152)، ابو نعیم در "الحلیة (10/127)، ابن ابی عاصم در "السنة (381)". این دعا را پیامبر ﷺ زمانی خواند که مشرکین در روز احد عقب نشینی کردند، و صحابه ؓ در عقب پیامبر ﷺ در صف های مستقیم ایستادند. الحاکم آنرا نظر به شرایط بخاری و مسلم، صحیح دانسته و ذهبی با آن موافقت کرده. الهیثمی در المجمع (9849)، گفت: " راویان احمد در این حدیث صحیح دانسته " البانی ؒ آنرا در "صحیح الاداب المفرد (1/243 رقم 541) آنرا صحیح دانسته.

49 بخاری (5974 ,5739 ,4099 ,4098 ,2911 ,2857) و مسلم (2476 ,2475) – به روایت جریر بن عبدالله ؓ که او گفت:" که پیامبر ﷺ الله ﷻ برای من گفت، " آیا مرا از درد و رنج ذِی الْخَلَصَةِ خلاص نمی کنی (یک معبود وابسته به یکی از خدایان دروغین بود و بنام الکعبة الیمینیه یاد میشد)؟" من جواب دادم " بلی، (من تو را از شر او خلاص خواهم کرد)." بناً من به اینکار اقدام کردم با یکصد و پنجاه اسب سوار از قبیله احمس که در اسب دوانی خیلی ماهر بودند. من نمی توانستم که بالای اسب ثابت و محمکم بنشینم، بناً من پیامبر ﷺ را از این موضوع آگاه ساختم، او با دست خود به سینه من زد تا وقتی که من جای اثرات ضربه دست او را روی سینه ام دیدم و گفت: " یا الله ﷻ او را محکم بدار، و برای او رهنمای بگردان، و یک راهنمای درست!". بعد از آن هیچگاهی از روی اسب نیفتادم. ذوالخلاصه یک خانه در یمن بود مربوط قبیله های خاتم و باجیلا میشد، و در آنجا خدایان دروغین (صنم ها) بود که پرستش میشدند و بنام الکعبه یاد میشد." جریر آنجا رفت و آنرا با آتش سوختاند. زمانی که جریر به یمن رسید آنجا یک مردی بود که پیشگویی میکرد و برای مردم توسط تیر های فالگیر (اذلام) فال میگرفت. شخصی به او گفت: اینجا فرستاده إی از پیامبر الله ﷺ موجود است اگر او تو را پیدا کند (یعنی تو را در این کار ببیند) گردنت را میزند." یک روز او در حال استفاده آن (تیر های غیب گو) بود، جریر در آنجا توقف کرد و برایش گفت:" آن تیرها را بشکن و گواهی بده که غیر از الله ﷻ هیچ معبودی قابل پرستش نیست، در غیر آن گردنت را میزم." بناً آن مرد تیرها را شکست و گواهی داد که غیر از او هیچ معبودی قابل عبادت نیست. بعداً جریر مردی را بنام اباارتاط از قبیله احمس بسوی پیامبر ﷺ فرستاد تا خبر خوب (ویران شدن ذِی الْخَلَصَةِ) را به او برساند. وقتی که آن مرد به نزد پیامبر ﷺ رسید گفت: " ای پیامبر الله ﷺ، قسم به ذات که تو را به حقیقت فرستاده او را نگذاشتم تا وقتیکه او را مثل زخم پوست شتر گردانیدم." بعداً پیامبر ﷺ اسب های احمس و مردهایشانرا 5 بار دعا کرد.

« اغْزُوا بِاسْــمِ اللهَّ فِي سَــبِيلِ اللهَّ قَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللهَّ اغْزُوا وَ لاَ تَغُلُّوا وَلاَ تَغْدِرُوا وَلاَ تُمَثِّلُوا وَلا تَقْتُلُوا وَلِيدًا وَإِذَا لَقِيتَ عَدُوَّكَ مِنْ الْمُشْرِكِينَ فَادْعُهُمْ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ أَوْ خِلَالٍ فَأَيَّتُهُنَّ مَا أَجَابُوكَ فَاقْبَلْ مِنْهُمْ وَكُفَّ عَنْهُمْ ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْــلَامِ فَإِنْ أَجَابُوكَ فَاقْبَلْ مِنْهُمْ وَكُفَّ عَنْهُمْ ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى التَّحَوُّلِ مِنْ دَارِهِمْ إِلَى دَارِ الْمُهَاجِرِينَ وَأَخْبِرْهُمْ أَنَّهُمْ إِنْ فَعَلُوا ذَلِكَ فَلَهُمْ مَا لِلْمُهَاجِرِينَ وَعَلَيْهِمْ مَا عَلَى الْمُهَاجِرِينَ فَإِنْ أَبَوْا أَنْ يَتَحَوَّلُوا مِنْهَا فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّهُمْ يَكُونُونَ كَأَعْرَابِ الْمُسْــلِمِينَ يَجْرِي عَلَيْهِمْ حُكْمُ اللهَّ الَّذِي يَجْرِي عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَكُونُ لَهُمْ فِي الْغَنِيمَةِ وَالْفَيْءِ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يُجَاهِدُوا مَعَ الْمُسْــلِمِينَ فَإِنْ هُمْ أَبَوْا فَسَــلْهُمْ الْجِزْيَةَ فَإِنْ هُمْ أَجَابُوكَ فَاقْبَلْ مِنْهُمْ وَكُفَّ عَنْهُمْ فَإِنْ هُمْ أَبَوْا فَاسْــتَعِنْ بِاللهَّ وَقَاتِلْهُمْ وَإِذَا حَاصَرْتَ أَهْلَ حِصْنٍ فَأَرَادُوكَ أَنْ تَجْعَلَ لَهُمْ ذِمَّةَ اللهَّ وَذِمَّةَ نَبِيِّهِ فَلَا تَجْعَلْ لَهُمْ ذِمَّةَ اللهَّ وَلَا ذِمَّةَ نَبِيِّهِ وَلَكِنْ اجْعَلْ لَهُمْ ذِمَّتَكَ وَذِمَّةَ أَصْحَابِكَ فَإِنَّكُمْ أَنْ تُخْفِرُوا ذِمَمَكُمْ وَذِمَمَ أَصْحَابِكُمْ أَهْوَنُ مِنْ أَنْ تُخْفِرُوا ذِمَّةَ اللهَّ وَذِمَّةَ رَسُولِهِ وَإِذَا حَاصَرْتَ أَهْلَ حِصْــنٍ فَأَرَادُوكَ أَنْ تُنْزِلَهُمْ عَلَى حُكْمِ اللهَّ فَلَا تُنْزِلْهُمْ عَلَى حُكْمِ اللهَّ وَلَكِنْ أَنْزِلْهُمْ عَلَى حُكْمِكَ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي أَتُصِيبُ حُكْمَ اللهَّ فِيهِمْ أَمْ لَا »

« او را به تقوى الهى و ترس از الله وصيت كرده، و اينكه با مسلمانان كه همره او است خوب باشد، وبعداً بگويد: بجنگيد بنام الله و در راه الله تعالى! عليه كسانى بجنگيد كه ايمان به الله ﷻ ندارند. بجنگيد! غنيمت ها را حيف و ميل نكنيد; عهد خود را نشكنيد; جسد هاى مرده را خراب و ويران نكنيد; و اطفال را نكشيد. وقتى دشمن خود را در بين مشركين ملاقات كردى، به سه عمل دعوت شان كن، اگر در رابطه به اين سه عمل به تو جواب دادند، بناً از آنها بپذير و خود را از اينكه به آنها ضرر بر سانى باز دار. بعداً (اول) به ا سلام دعوت شان كن; اگر آنان به تو جواب داد آز آنها قبول كن و از آسيب رساندن به آنان خودداری كن. بعداً آنها را دعوت كن كه از سرزمين شان به سرزمين مهاجرين هجرت كنند و برايشان خبر ده كه اگر چنين كنند، براى آنها چيزى است كه براى مهاجرين است، و بالاى آنها چيزى اســت كه بالاى مهاجرين اســت. بعداً اگر آنها رد كردند كه از آنجا هجرت كنند، آنها را آگاه كن كه آنها به مثل مسلمانان باديه نشين (اعراب باديه نشين) هستند; احكام الله كه بالاى مسلمانان تطبيق ميشود بالاى آنها نيز تطبيق ميشـود، و براى آنها از مال غنيمت و فيء چيزى داده نميشـود مگر اينكه يكجا با مسـلمانان عليه كفار بجنگند. بعداً اگر آنها پذيرفتن اسـلام را رد كردند (اسـلام را نپذيرفتند)، از آنها جزيه بگير. بعداً اگر به تو جواب داد، از آنها بپذير و هيچ ضـــررى به آنان نراســـانيد. بعداً اگر جزيه دادن را هم رد كردند، از الله كمك بخواه و عليه آنها به قتال بپرداز. و زمانيكه قلعه را محاصـره كرديد از تو ميخواهند كه ذمه (عهد و پيمان) الله و رســولش را به آنها بدهى، (نه اينطور نكن) بلكه عهد خود و يارانت را به آنها بده، زيرا كه براى شما حفاظت كردن از عهد و پيمان خودتان آسانتر است از حفاظت كردن عهد و پيمان الله و رسولش. و اگر شما مردم قلعه را محاصره كرديد، آنها از تو ميخواهد كه

بگذاری آنها بیرون شـــوند مطابق حکم الله، به آنها اجازه مده که مطابق حکم الله بیرون آیند، بلکه این کار را به دستور خود انجام بده، این بخاطر آنست که تو نمی دانی که آیا حکم الله را بالای آنها انجام داده میتوانی یا نه »[50]

❋ آنچه مجاهدین هنگام آمادگی می سرایند ❋

-45

اَللَّهُمَّ لَوْلاَ أَنْتَ مَا اهْتَدَيْنَا .... وَلاَ تَصَدَّقْنَا وَلاَ صَلَّيْنَا

فَأَنْزِلَنْ سَكِينَةً عَلَيْنَا .... وَثَبِّتِ الأَقْدَامَ إِنْ لاَقَيْنَا

إِنَّ الأَعْدَاءَ قَدْ بَغَوْا عَلَيْنَا .... إِذَا أَرَادُوا فِتْنَةً أَبَيْنَآ

(ويرفع بـ أَبَيْنَا صَوْتَهُ ويَمُدُّ آخرها)

« یا الله! اگر بخاطر تو نمی بود ما هدایت نمی شدیم،

نه صدقه میدادیم و نه نماز میخواندیم،

پس برای ما سکینه (آرامش) نازل کن،

و قدم های ما را ثابت نگهدار اگر ملاقات کردیم (دشمن را)،

در حقیقت دشمنان علیه ما بغاوت کردند،

اگر آنها میخواهند (که ما را) در فتنه بیاندازند (میخواهند علیه ما بجنگند)، ما رد میکنیم (و میجنگیم تا آزاد باشیم).

»[51]

-46

اللَّهُمَّ لَوْلَا أَنْتَ مَا اهْتَدَيْنَا .... وَلَا تَصَدَّقْنَا وَلَا صَلَّيْنَا

[وَنَحْنُ عَنْ فَضْلِكَ مَا اسْتَغْنَيْنَا] .... فَاغْفِرْ فِدَاءً لَكَ مَا اقتفَيْنَا

وَثَبِّتْ الْأَقْدَامَ إِنْ لَاقَيْنَا .... وَأَلْقِيَنْ سَكِينَةً عَلَيْنَا

إِنَّا إِذَا صِيحَ بِنَا أَبَيْنَا .... وَبِالصِّيَاحِ عَوَّلُوا عَلَيْنَا

---

[50] مسلم (1731) به روایت بریده آنرا روایت کرده، که میگفت، " زمانی که پیامبر ﷺ بالای یک لشکر یا فوج امیر تعین میکرد، بالخصوص او را به ترس از الله و تقوا ســفارش میکرد، و اینکه با مســلمانان همراهش خوب باشــد، و بعداً امر میکرد که:" بجنگید بنام الله در راه الله ..." همچنان مراجعه کنید به بخاری "التأريخ (7/70)" و الكاتب در تاریخ خود (3/39). "... اطفال را نکشـــید..." در رابطه به کشـــتن اطفال و زنان کفار، و محدودیت های آن به مقاله ما مراجعه کنید " تشریح به عمد هدف قرار دادن اطفال و زنان."

51 بخاری در صحیح خود (2681, 2682, 2870, 3873, 3880, 6246, 6809) و مسلم در صحیح خود (1803) به روایت البراء ابن عازب رضی الله عنه او روایت میکند، " من پیامبر را در روز غزوه خندق دیدم که در حال کندن زمین (خندق) بود تا وقتیکه موهای سینه شان پر از خاک شد و او یک مرد پرمو بود. او این اشعار عبدالله ابن رواحه را میخواند. پیامبر صلی الله علیه وسلم این اشـعار را با صـدای بلند میخواند، و کلمه " أَبَيْنَآ " را با آواز خود طولانی میکرد.

« بارالها! اگر بخاطر تو نمی بود ما هدایت نمی شدیم،
نه صدقه میدادیم و نه نماز میخواندیم،
ماز او مرحمتت بی نیاز نیستیم،
پس مار ببخش – ما قربانی هستیم برای تو– آنچه را مرتکب شدیم،
و قدم های ما را ثابت نگهدار اگر ملاقات کردیم (دشمن را)،
پس برای ما سکینه (آرامش) نازل کن،
بدون شک اگر ما (علیه آنها به جنگ) صدا زده شویم، ما میآییم،
و از طریق چیغ زدن، آنها (کفار) علیه ما از دیگران کمک میطلبند. »
[52]

47-

اللَّهُمَّ لا عَيْشَ إلا عَيْشُ الآخرة .... فَاغْفِرْ للأَنْصَارِ وَالْمُهَاجِرَة
(فانصر المجاهدين على الأحزاب الكافرة)
نَحْنُ الَّذِينَ بَايَعُوا (..................)....... عَلَى الْجِهَادِ مَابَقِينَا أَبَدَا

« بار الها! هر آینه زندگی واقعی، زندگی بعد از این است! [پس برای مجاهدین بالای کفار پیروزی نصیب کن]، ما آنهای هستیم که بیعت کردیم [قسم بیعت] به [*اسم امیر اینجا ذکر شود] برای برپا کردن جهاد تا وقتیکه زنده هستیم. »[53]

---

[52] بخاری (3960, 5796, 5972) و مسلم (1802, 1807) ، همچنان ببینید "فتح الباری (7/466) " – به روایت سلمه ابن الاکوع ﵁ " ما برای همراهی پیامبر ﷺ به خیبر رفتیم. هنگامیکه ما در شب روان بودیم، یک مرد از گروپ ما به عامر گفت، "ای عامر! آیا نمگذاری ما از تو شعر بشنویم؟" عامر یک شاعر بود، پایین شد و برای مردم شروع به شعر خواندن کرد، و با قدم های شتر در حال راه رفتن بود و میگفت:[... همان شعر را ...]

پیامبر ﷺ پرسان کرد آن سَائِق (شتر دوان) کیست که شعر میخواند؟ مردم گفتند: او عامر ابن الاکواع﵁ است. پیامبر ﷺ گفت الله ﷻ بالایش رحمت کند. یک مرد از بین ایشان گفت:" ای پیامبر ﷺ الله ﷻ آیا شهادت برای او اعطا خواهد شد؟ ... متابقی حدیث...

[53] بخاری (2679, 2680, 2801, 3584, 3873, 3585, 3874, 6050) و مسلم (1805) به روایت انس ابن مالک ﵁ که گفت:" پیامبر ﷺ بسوی خندق رفت و مهاجرین و انصار را دید که در صبح سرد در حال کندن خندق هستند. آنها کدام غلام هم نداشتند که این کار را برایشان میکرد، زمانی که پیامبر ﷺ سختی و گرسنگی آنها را دید گفت: اللَّهُمَّ لا عَيْشَ إلا عَيْشُ الآخرة فَاغْفِرْ للأَنْصَارِ وَالْمُهَاجِرَة آنها در جواب گفتند: نَحْنُ الَّذِينَ بَايَعُوا مُحَمَّدَا عَلَى الْجِهَادِ مَابَقِينَا أَبَدَا .

(تنبيه) قوله : " فَاغْفِرْ للأَنْصَارِ وَالْمُهَاجِرَة " دعاء للصحابة رضي الله عنهم . ويجوز أن يدعو المجاهدون لأنفسهم كأن يقولوا : " فانصر المجاهدين على الأحزاب الكافرة " أو " فاغفر للمجاهدين في الدنيا والآخرة " .

❋ دعا برای کسیکه بسوی کفار تیر می اندازد (فیر میکند) ❋

48- « اللَّهُمَّ سَدِّد رميتهم ، وأجب دَعوتَهُم »

« بار الها! نشان (هدف شان) را تیز بگردان، و دعای شانرا ایجابت کن »[54]

❋ دعاء برای رازداری و سریه که خوب انجام شده باشد ❋

49- « اللَّهُمَّ بارِك في خَيلِهِم ورِجَالِهِم . (ويكررها)

« بار الها! در اسب ها و مرد هایشان برکت بیانداز »[55]

❋ دعا برای کسانیکه در راه الله عزوجل به جهاد بیرون آمده اند ❋

50- « اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ حُفَاةٌ فَاحْمِلْهُمْ ، اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ عُرَاةٌ فَاكْسُهُمْ ، اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ جِيَاعٌ فَأَشْبِعْهُمْ . »[56]

---

[54] الحاكم (3/26, 500)، ابن ابى عاصم در "السنه (1408)، والضياء في المختارة (1007) ، و البزار في مسنده (1083) ، و أبو نعيم في الحلية (93/1) ، وفي دلائل النبوة (493) ، وفي معرفة الصحابة (507) ، والسهمي في تاريخ جرجان(ص321) ، و أبو بكر الدينوري في المجالسة وجواهر العلم (348) ، و ابن عساكر في تاريخ دمشق (20/337-338) من طرق عن سعد بن أبي وقاص رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم دعا له بذلك . وصححه الحاكم على شرط مسلم ، و وافقه الذهبي ، و صححه الضياء المقدسي .

وورد بلفظ : " اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لِسَعْدٍ إِذَا دَعَاكَ " ، رواه الترمذي (3751) ، وابن حبان (7116) ، والحاكم (3 / 499) ، و البزار في مسنده (1087) ، وقال الترمذي : (وَقَدْ رُوِيَ هَذَا الْحَدِيثُ عَنْ إِسْمَعِيلَ عَنْ قَيْسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : " اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لِسَعْدٍ إِذَا دَعَاكَ " وَهَذَا أَصَحُّ) ا. هـ قلت : رواه ابن ســـعد في الطبقات (142/3) ، والبيهقي في دلائل النبوة (6 /189) عن قيس بن أبي حازم مرســـلا ، وقال البيهقي : " وهذا مرســـل حسن"، وصححه موصولا : ابن حبان ، والحاكم ، والذهبي ، والألباني ، وقال الهيثمي في المجمع (153/9): " ورجال البزار رجال الصحيح " . و رواه الطبراني في الكبير (318/143/1) عن عامر الشعبي عن سعد ، وقال الهيثمي : " اسناده حسن " . ورواه أبو نعيم في الحلية (325/10) عن أبي بكر رضي الله عنه .

ورواه الطبراني في الأوسط (4069) عن ابن عباس رضي الله عنهما . وقال الهيثمي في المجمع (153/9) : " فيه أبو سعد البقال وهو مدلس ثقة وقد اعتضد حديثه بالحديثين اللذين تقدما في إجابة دعائه " . فالحديث صحيح بمجموع طرقه ، والله أعلم . وانظر علل الدارقطني (رقم س 640) ، والبداية والنهاية (82/8) .

[55] بخاری و مسلم به روایت جریر ابن عبدالله رضي الله عنه آنرا نقل کرده، و تخریج آن قبلاً گذشت در زیرنویس شماره #47.

قال الهيثمي في المجمع (49/10) : " رواه أحمد و الطبراني و رجالهما رجال الصحيح " ا.هـ.

[56] روى أبو داود في سننه (2747) ، والحاكم في المستدرك على الصحيحين (2596 ، 2642) ، والبيهقي في السنن الكبرى (305/6 و 57/9) وفي دلائل النبوة (877)، وصححه الحاكم على على شرط البخاري ومسلم ، وأقره الذهبي ، وقال الألباني في " السلسلة الصحيحة " (1003/4/3) : " و هذا إسناد حسن و رجاله ثقات رجال الصحيح ، و في حُيَيٍّ و هو ابن عبد الله المعافري كلام لا ينزل حديثه عن رتبة الحسن ، و في التقريب : "صدوق يهم " . " ا.هـ

51- « اللَّهُمَّ سَلِّمْهُمْ وَغَنِّمْهُمْ . »[57]

❋ در بیان آنچه میگوید وقتیکه نظر به دشمن نمود ❋

52- « یَا مَالِکَ یَوْمِ الدِّینِ إِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ إِیَّاکَ نَسْتَعِینُ »

« ای مالك و دارنده ی روز جزا تو را بندگی میکنم و از تو کمک میخواهم »[58]

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (٤) رَبَّنَا لا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٥)

« پرودگارا! به تو توکل میکنیم، و به تو روی می آوریم، و بازگشت به سوی تو است (و همه راهها سر به جانب تو دارد و به تو منتهی می گردد). پروردگارا! ما را گرفتار دست کافران مکن، پرودگارا! ما را بیامرز که تو چیره کار بجائی. »

❋ در بیان آنچه میگوید وقتی که در هلاکتی واقع شد ❋

53- « بِسْمِ اللهِّ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ باللهِّ العَلِیِّ العَظِيمِ »[59]

« بنام الله یکتای بخشایشگر بسیار مهربان و نیست چاره ای برای دوری از هلاکت و نه نیرویی برای پایداری بر سلامت، مگر به کمک الله بسیار بلند مرتبه ای بسیار بزرگوار»

---

[57] روى أحمد في مسنده (248/5 ، 255 ، 257) وابن حبان في صحيحه (212/8) وعبد الرزاق في المصنف (7899)، وصححه ابن حبان ، وقال الهيثمي في المجمع (182/3 و297/5) : " رجال أحمد رجال الصحيح " ا.هـ

[58] انس رضی الله عنه میگوید: در جهادی همراه رسول الله ﷺ بودیم موقعی که به دشمن رسید و نبرد شروع شد فرمود: < یا مالک یوم الدین ایاک نعبدو و ایاک نستعین > دیدم که دشمنان به زمین می افتند و فرشتگان آنان را از جلو و پشت سر می کوبیدند.

[59] علی رضی الله عنه فرمود که رسول الله ﷺ فرمود: " ای علی کلماتی به تو میاموزم که هر وقت در هلاکت و مخاطره واقع شدی آن را بگویی تا از آن ورطه و هلاکت نجات یابی؟ گفتم بلی یا رسول الله! الله مرا فدای تو گرداند! فرمود: هر وقت در هلاکت و امر پر خطری واقع شدی بگو: بنام الله یکتای بخشایشگر بسیار مهربان و نیست چاره ای برای دوری از هلاکت و نه نیرویی برای پایداری بر سلامت، مگر به کمک الله بسیار بلند مرتبه ای بسیار بزرگوار که الله متعال به این کلمات آنچه بخواهد از انواع بلا رفع میفرماید " نووی فرمود ورطه به معنی هلاکت است.

❋بابی است در بیان دعا به هنگام اندوه و کارهای مهم ❋

53- « لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَ الأَرْضِ، رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيم»

« روایتی است در صحیح البخاری و مسلم از ابن عباس رضی الله عنهما که رسول الله ﷺ هر موقع که اندوهی به او دست میداد یا کار مهمی پیش میآمد یا سختی و شدتی به او رو میکرد میفرمود: "نیست معبودی به حق مگر الله که بسیار بزرگوار و بردبار است، نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب آسمانها و زمین و صاحب عرش عظیم است". و در روایت مسلم آمده است که پیامبر هرگاه دچار امر دشواری میشد آن دعا را میخواند.» [60]

این رساله را که هدف آن سود برای مخلصین در مقابل متکبران است با دعای از صحابه رضی الله عنهم خبیب ابن عدی رضی الله عنه خاتمه میدهیم، او قبل از اینکه بدست دشمنان الله جل جلاله عذاب کش شود (مصلوب، شکنجه وکشتن با کوبیدن میخ به شکل چلیپا یا صلیب) این دعا را میخواند:

اللَّهُمَّ أَحْصِهِمْ عَدَدًا

وَاقْتُلْهُمْ بَدَدًا

وَ لا تُبْقِ مِنْهُمْ أَحَدًا

"یا الله! آنها را دانه به دانه حساب کن!

و آنها را قتل کن هنگامیکه پراکنده شدند!

و حتا یکی از ایشان راهم زنده باقی مگذارا!"[61]

*** *** ***

*** *** ***

---

[60] بخاری (154/7) ، مسلم (2092/4).

[61] بخاری (3989).

(تم بحمد الله تعالى)

_______ كتابُ _______

أَذكَارِ الجِهَادِ

وسبحانك اللهم وبحمدك ، أشهد ألَّا إله إلا أنت ، أستغفرك وأتوب إليك ، وصلي الله وسلَّم وبارك علي إمام المجاهدين ، محمد بن عبد الله رسول الله الذي أرسلَهُ رحمة للعالمين ، وعلى آله وصحبه أجمعين .

_______________________ كتبه الفقير إلى عفو ربه الغفور الرحيم

_____________________________ ابو عمر بلال الخراسانى

______________________________ في عام 1436 هـ